

### متن پرسش

سلام استاد گرامی: وقتتون بخیر. از خدای متعال میخام که بتونم منظورم را برسونم و پاسخم را بگیرم. ان شاء الله. استاد وقتی با اکثر کتابهایی که در مورد دین در حوزه و دانشگاه تالیف و تدریس می‌شود روبرو می‌شوم یا با اساتید حوزه و دانشگاه که اتفاقا انسانهای خوب و بسیار فعالی در امر پژوهش و تالیف هستند برخورد کرده و صحبت می‌کنم ضمن احساس شور و اشتیاق به امر پژوهش و تحقیق در عرصه دین بعد از کمی فاصله زمانی و دور شدن از فضایی که آنها داشتند نوعی دوگانگی بین حال و هوای آن عزیزان و آثار برخی از علما مخصوصا آثار و رویکرد شما و حتی حال و هوای حضرت آقای خامنه ای احساس می‌کنم. خودم حال و هوای دسته دوم را ترجیح میدم و باهاش زندگی می‌کنم. آیا واقعا دوگانگی هست بین این رویکرد به اصطلاح کلامی به دین و پرداختن به ابعاد مختلف و تعاریف و... و رویکرد وجودی، فطری یا هر نام دیگری که مناسب حال و هوای امثال شمای عزیز است؟ با رویکرد شما ظاهرا در عرصه علم نظری و دانشگاهی نمی‌توان وارد شد. یه حالت کلافگی دارم انگار جامعه علمی ما به رویکرد و حال و هوای شما نیاز شدید دارد ولی مجالی برای ورود این حالت را در خود مهیا نکرده است و امثال بنده در عین اینکه ناخودآگاه از این فضاهای علمی و پیشرفت در آن و تالیف کتابها با استانداردهای حوزوی و دانشگاهی فاصله می‌گیریم (چون احساس می‌کنم حقیقت را حبس میکنند) گاهی حس می‌کنم باید بتوان در قالب این روشها آن روحیه را به صحنه آورد، ولی انگار نمی‌شود. نمی‌دانم وظیفه ام چیست؟ ورود به این عرصه ها یا ماندن در فضای آرامش بخش و با خود به سر بردن ممنون از توجه و راهنمایی شما

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! باید به خوبی کتابهای اصیل معرفتی خود را که میراث متفکران گذشته ما است مطالعه نمود ولی در تاریخی که با حضرت امام شروع شد، حاضر گشت با توجه به این که در مسیر تاریخی ما، بین ما و سنت‌هایی که در آن قرار داشتیم، نسبت به امروزمان گسست‌هایی پیش آمده و این منجر شده تا گذشته ما از جهاتی برای ما نامعلوم شود، نیاز داریم با خودآگاهی به این امر، سنت‌های قبلی را برای خود قابل فهم کنیم و این نوع ورود به سنت‌های گذشته را که با خودآگاهی مخصوص همراه است، حرکتی هرمنوتیکی می‌گویند که در آن نظر به تاریخ فهم‌ها است در بستر تاریخی خودشان و کوششی است برای فهم چیزی که درون نویسنده متن می‌گذشته و انسان در نگاه هرمنوتیکی با نوعی آشکارشدن معنا روبرو می‌شود که ماورای مفاهیمی است که از

ظاهر متن فهم می‌شود، از آن جهت که بالاخره فهم‌ها تاریخ‌مندان و باید با آن متن در تاریخی که در آن قرار داشته و به ظهور آمده، ارتباط برقرار کرد. موفق باشید